



شاهروند

گزارش «شاهروند» از زندگی این روزهای ۳ داوطلب سفر بی بازگشت

ابهام در سرنوشت مسافران ایرانی مریخ

۴ صفحه

«شاهروند» از جزییات ساخت ۵۰ هزار واحد مقرون به صرفه گزارش می دهد

ساخت مسکن ارزان برای متوسط ها

شاهروند | «۵۰ هزار واحد مسکن برای اقشار متوسط جامعه ساخته می شود.» این خبر را معاون وزیر راه و شهرسازی در شرایطی اعلام کرده که مدیرعامل شرکت عمران هشتگرد گفته که ساخت مسکن ارزان قیمت از شهریور امسال آغاز می شود. البته پیش از این نیز یک بار در دولت دهم طرح ساخت ۲۰۰۰ واحد با نام مسکن مهر ویژه در تهرانسر برای اقشار متوسط جامعه آغاز شد و تقریباً به اتمام رسید و اتفاقاً با استقبال خوبی هم همراه شد. با این وجود برخی از کارشناسان بر این باورند در شرایطی که حدود ۱۰ هزار واحد مسکن مهر در شهرهای جدید بی مشتری مانده است و ساخت مسکن در این شهرها که در طول ۲۵ سال گذشته توانسته جمعیت زیادی را جذب خود کند...

۸ صفحه

استوری مهاجم تیم ملی، موجی از انتقادات علیه او را به همراه داشت

تصادف زنجیره‌ای باحال نیست سردار!

۱۵ صفحه

قهرمانان

۱۳

گفت‌وگو با «نوبید عبدزاده» آرایشگر موهای بازیکنان تیم ملی فوتبال

ریش و قیچی تیم ملی در دست اوست



دخل و خرج

۸

چرا خرید از فروشگاه‌های بزرگ به صرفه تر است؟

زنجیره‌ای‌ها علیه دلالتان

شاهروند | فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهرهای بزرگ جهان را تسخیر کرده‌اند، این در حالی است که در ایران تنها حدود ۱۰ درصد بازار را تشکیل می دهند. فروشگاه‌هایی که با حذف دلالت‌ها و واسطه‌ها توانسته‌اند شرایط بهتری برای مصرف کنندگان و...

روایت داغ

۱۵

سر نوشت نمایش سنی به جیب مردم گره زده شد

باب همایون فعال بسته است



شهرتک

۱۶

پخش اعتراضات دختر ۱۷ ساله از رسانه ملی

صد او سیما؛ ولی بز نیم به تخته بیشتر بهش می خوره!



پخش اعتراضات یکی از چهره‌های پر مخاطب فضای مجازی با واکنش‌های بسیاری مواجه شد

شاخ به شاخ اینستاگرام با سیما



روزی که عضو سابق شورای شهر تهران از شکستن شاخ این و آن گفت، گمان نمی کردیم این رجز خوانی و معرکه گردانی به گود سیاست بجز خد و زور سیاست به جبر سودجویان اقتصادی بچرید. همه آن روز به صحبت‌های عباس جدیدی خندیدند و آن را نمادی از لمپنیسم سیاسی خواندند. اما امروز... ماجرا به دختری هفده ساله به اسم مائده هژبری می گردد. دختری که صاحب یکی از پربازدیدترین صفحات اینستاگرام بود و صفحه‌اش را مجال نمایش‌های رقص‌های گاهوبی‌گاهش کرده بود و از هشدار رئیس پلیس فتا هم قاعدتاً بی خبر بود. دختری دهه هشتادی که نه اهل سیاست بوده، نه دانش و بینشی داشته تا از این رفتارها کناره گیرد و بی جهت معرکه نکیرد. با این حال دختر هفده ساله از سوی پلیس فتا دستگیر شد، روی صندلی نشانداده شد، اعتراضات از او گرفته شد، در اختیار صداوسیما قرار داده شد و تمام این غائله تحت عنوان برنامه‌ای به نام «بی‌راهه» از شبکه یک سیما پخش شد. البته ماجرا فقط به او ختم نمی شد؛ در برنامه ۳۰ دقیقه‌ای جمعه شب، دو دختر و یک پسر هم با چهره‌های شش‌نچی و مشبک حضور داشتند، اظهار ندامت می کردند و اعتراضات داشتند. در این برنامه نامی از اینها برده نشد اما کاربران فعال شبکه‌های اجتماعی همه‌شان را می شناختند: مائده هژبری، الناز قاسمی، شاداب و کامی. این چهار نفر به این القاب شهره بودند ولی عجیب اینجاست که در این میان مائده هژبری پیش تر از سوی برنامه «بازی شو» در آپارات دعوت شده و...

یادداشت

زنان سرپرست خانوار، روی لبه تیغ

نیازهای زندگی زیر خط فقر خود را تامین کنند و شاید همین موجب شده این قشر بر روی لبه تیغ آسیب و توانمندی حرکت کنند. جای تامل است که امروزه در حالی از آمار ۱۶ درصدی زنان سرپرست خانوار صحبت می کنیم که موضوع زنان سرپرست خانوار بیش از ۳۵ سال است مطرح و همواره به آن کم توجهی شده است.

هر گاه برای حمایت از این قشر سخن به میان آمده، بار مالی آن بر دوش دولت یادآوری شده است، به طوری که در بودجه ۹۷ با کاهش ۳۹ درصدی بودجه مربوط به زنان سرپرست خانوار روبه‌رو می شویم. در حالی که بودجه برخی نهادها با نام فرهنگی در برابر شده یا ثابت مانده، جای سوال است که چطور در نظام کلان برنامه‌ریزی کشور مسأله آسیب‌های اجتماعی مطرح می شود، ولی برای پرداختن به موضوعی که می تواند یکی از راه‌های پیشگیری باشد، حاضر به بودجه‌ریزی و نظارت مستمر برای نظام برنامه‌ریزی عملیاتی و نه شعاری نیستیم. متأسفانه باید گفت رفتار دستگاه‌های متولی در مواجهه با زنان سرپرست خانوار که معمولاً از درجه فقر و آسیب‌بدن نگرستانند، به جای آن که این قشر را فرصتی برای خلاقیت و نوآوری بدانند موجب شده مسئولیت اجتماعی نسبت به آنها نیز از بین برود. در گذشته اگر زن سرپرست خانواری در منطقه، محله یا روستایی وجود داشت، توسط اطرافیان مورد حمایت قرار می گرفت، ولی امروز مسئولیت‌های اجتماعی توسط مردم، بستگان و حتی خانواده افراد به دلایل مختلف کمتر شده و نیاز به کمک سازمان‌های حمایتی بیش از پیش احساس می شود. شاید ساده‌ترین اقدامی که دولت با کمک بخش‌های خصوصی بتواند انجام دهد، مصوبه‌ای باشد برای اولویت بکارگیری زنان جوان سرپرست خانوار در شرایط دستمزدی برابر با مردان تا ضمن انگیزه‌بخشی به توانمندسازی زنان به آموزش حین خدمت بپردازیم.

زنان جوان سرپرستی را خلق می کنند. بنابراین نمی توانیم واقعیت‌های جامعه را کتمان کنیم، بلکه باید به جای گزارش‌دهی و بازی با آمارهای رسمی و غیررسمی به دنبال ایجاد اتفاقی جهت رسیدگی به وضع این قشر از جامعه باشیم. البته این پدیده‌ای جهانی است و امروزه ۶۰ درصد زنان در جهان نان‌آور خانه هستند و ۳۷/۵ درصد از خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می کنند، اما آن چه مهم است رونق تصاعدی رشد زنان سرپرست خانوار در ایران است، به طوری که تعداد زنان سرپرست خانوار در سال ۸۰ به نسبت جمعیت ۹/۵ درصد بود و این نسبت در سال ۹۰ به ۱۲/۱ درصد رسید.

این در حالی است که در همان بازه زمانی در خانوارهای مرد سرپرست کاهش وجود داشته است. طبق آمار بهزیستی طی ۱۰ سال گذشته هر ساله تعداد ۶۰۳۰۰ نفر به جمعیت زنان سرپرست خانوار اضافه شده است. چنین شرایطی موجب شد در برنامه ششم توسعه و در مواد ۱۰۲ و ۸۰ دولت مکلف به اقدام نسبت به موضوع زنان سرپرست خانوار شود، این در حالی است که هنوز طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در رتبه‌بندی اول بود. جلسات معاونت زنان قرار دارد و خبری از عملیاتی شدن آن نیست، از سوی دیگر نمی توان بنابر فقر مالی نهادهای حمایتی نسبت به حمایت کامل، شغل آفرینی و کنترل شرایط مطلوب برای این قشر انتظار بسیاری داشت. در این جاست که باید گفت اگر توانیم کنترل و حمایت درستی از زنان سرپرست خانوار داشته باشیم، نمی توانیم مانع از ورود آنها به چرخه آسیب‌های اجتماعی بشویم، بنابراین با پدیده‌های دیگری روبه‌رو خواهیم شد.

این در حالی است که کاهش سن زنان سرپرست خانوار نیز خود مسأله‌ای جدی است، چراکه آنها به دلیل عدم تحمل شرایط نامطلوب، زودتر از باقی به آسیب‌های اجتماعی ورود می کنند تا بتوانند حداقل



زهره آشتیانی

فعال حوزه زنان و دبیر فراکسیون خانواده مجلس

طبق آمار رسمی ۱۶ درصد از زنان سرپرست خانوار زیر ۲۰ سال هستند؛ این صرفاً یک خبر نیست و شاید بهتر است فراغ از ژست‌های مدیریتی و عطش گفت‌وگو با رسانه‌ها کمی جدی‌تر و بی‌پرده بدان بنگریم. این آمار یک درد اجتماعی است که این روزها با عنوان کاهش سن زنان سرپرست خانوار از سوی برخی از مجاری گزارش‌دهی اعلام می شود. البته ناگفته نماند که این آمار صرفاً به زنان اشاره دارد که شناسایی شده یا خود را به مراکز حمایتی معرفی کرده‌اند و گرنه باید گفت واقعیت‌های پیرامونمان متفاوت از آن است، چرا که هنوز دستگاه متولی‌ای نسبت به تکمیل بانک اطلاعاتی زنان سرپرست خانوار اقدام نکرده است و بنابر آمار اعلام شده از سوی نهادهای حمایتی (بهزیستی و کمیته امداد) اکنون حدود ۳ میلیون و ۱۰۰ زن سرپرست خانوار شناسایی شده‌اند که تحت حمایت قرار دارند و این تعداد نزدیک به ۵۰ هزار زن سرپرست خانوار جوان هستند.

اینک باید پرسید که مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که حمایت از دهک‌های پایین جامعه برعهده حکومت است، برنامه دولت و سایر نهادهای مسئول برای پدیده «سرپرست» شدن زنان در جامعه چه بوده است. بی تردید باید گفت اکثریت زنانی که سرپرست خانوار می شوند، از خاستگاهی برآمده‌اند که فقر اقتصادی موجب ایجاد ورطه‌های متفاوت برایشان شده است. فقر موجب روی آوردن سرپرست خانواده به اعتیاد می شود که در این جا در هر حال چه همسر در زندان باشد و چه در کنج خانه، زن به عنوان سرپرست مسئولیت خانواده را بر عهده می گیرد و در شرایط دیگر فقر موجب طلاق به‌ویژه در سنین پایین‌تر می شود که این رویداد

نه به تحقیر! نه به نفرت!

هر چند این موارد در صداوسیما جایگاه باستانه‌ای ندارند، ولی اگر در این میان تصویر فیلم در خدمت تحقیر افراد بر آید، به طور قطع اثر معکوس خواهد گذاشت. سال‌ها پیش رسم شده بود که برخی از افراد قلدر و لات را در محلات تهران می گرفتند و با پوشاندن لباس زنانه و با انداختن آفتابه به گردن آنان و یا معکوس سوار الاغ کردن و گرداندن آنان در شهر و محله قصد تحقیر و ذلیل کردن آنان را داشتند. نتیجه آن سیاست‌ها چه شد؟ این که امروز یک سر کرده گنده‌لات و قاتل؛ در زندان و به دست رقبای لات کشته می شود، سپس تشییع جنازه او بسیار باشکوه‌تر می شود، چرا؟

ذهنیتی وجود دارد که تربیت اجتماعی و اصلاح امور را مبتنی بر تحقیر و توهین و ذلیل کردن افراد می داند. این ذهنیت که خود را در دفاع از مجازات‌های خشن نیز بازتاب می دهد، مربوط به جامعه جدید نیست. در جامعه جدید، مردم خواهان مجازات مجرمان هستند ولی در عین حال خواهان حفظ حرمت و شخصیت انسانی آنان نیز هستند. یکی از اهداف مجازات، تربیت است ولی اگر کسی تحقیر شود، تربیت او بلا موضوع محسوب می شود. به‌ویژه تحقیر اجتماعی بسیار خطرناک است. وقتی که یک دختر نوجوان را در صفحه تلویزیون و با تصویر برداری سیاه‌نشان می دهند و او را حقیر می پسندند تا با گریه و زاری توبه کند و کار خود را اشتباه معرفی کند، این کار جز ایجاد نفرت و کینه در او و در نزد دیگران نتیجه دیگری ندارد. کینه اجتماعی و فردی ویرانگر روابط سالم اجتماعی خواهد بود.

پخش مستندی از تلویزیون ایران درباره شبکه‌های اجتماعی که با هدف نشان دادن اثرات منفی این شبکه‌ها تهیه شده بود، بار دیگر حساسیت‌ها را برانگیخت که صداوسیما به کجا می رود؟ این شبهه مستند نه تنها با واکنش بسیار منفی منتقدان مواجه شد، بلکه حتی نزدیکان به این رسانه نیز از جمله رئیس دانشکده صداوسیما از آن ابراز برائت کردند و به نوعی تهیه و انتشار این گونه برنامه‌ها را مسبوق به سابقه دانسته و محکوم کردند. پرسش اساسی این است که رسالت صداوسیما و سیاست رسانه‌های آن چگونه تعریف شده است؟ تا کی می توان با تحقیر و توهین به دیگران و تبدیل این رسانه ملی به ابزاری برای تحقیر جوانان و دیگر شهروندان، تهمانده اعتبار احتمالی این رسانه را نیز از میان برد؟

مسأله دفاع از کار آن دختر جوان نیست که فیلم رقص خود را در شبکه‌های اجتماعی قرار داده است. مسأله این است که در این شبکه‌ها هر لحظه ده‌ها و صدها از این ویدیوها تهیه و منتشر می شود. نه فقط از این فیلم‌ها بلکه انواع و اقسام فیلم‌های بدآموز یا آموزنده و مفید نیز نه تنها در سطح ایران منتشر، بلکه در سطح بین‌المللی انجام می شود. و اگر قرار باشد که فقط با دیدن این فیلم‌ها مردم منحرف شوند، تا به حال همه عالم بویژه کشورهای که این شبکه‌ها در دسترس همه هستند، به‌طور کامل منحرف شده بودند.

تهیه مستند یا گزارش درباره شبکه‌های اجتماعی و بسیاری از امور دیگر از جمله فسادهای کلان و فقر و نابرابری، بی‌آبی و خشکی و بی‌عدالتی و... همگی خوب است

پذیرش آگهی‌های روز نامه شهر وند

۲ - ۴۴۹۵۶۲۰۰۰

www.shahrvand.agahiha@gmail.com